



• اشاره

مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی، به منظور معرفی ترجمه‌های فارسی قرآن مجید که تاکنون به چاپ رسیده‌اند، تدوین کتاب‌شناسی توصیفی این ترجمه‌ها را در دست انجام دارد. این مجموعه ارزشمند به قلم استاد گرانمایه جناب آقای بهاء‌الدین خرمشاهی در حال تدوین است. برای اطلاع خوانندگان محترم، متن نوشته ایشان را درباره معرفی یکی از ترجمه‌های معروف در این شماره می‌آوریم. امیدواریم این اثر به زودی آماده چاپ شود و در اختیار قرآن پژوهان قرار گیرد.

ترجمان وحی

• ۱. زندگی و آثار

ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به «شاه ولی الله دهلوی» و «محدث دهلوی» (۱۱۱۴-۱۱۷۶ق / ۱۷۰۳-۱۷۶۲م) دانشمند مسلمان (قرآن‌شناس، حدیث پژوه، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر / اصلاح‌گرای عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره هند. (متولد و متوفی و مدفون در دهلی).

وی دارای آثار عدیده، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبان‌های دیگر ترجمه شده است. اولین معلم او پدرش شاه [کلمه شاه، لقب طریقتی / عرفانی است] عبدالرحیم عمّری (م ۱۱۳۱ / ۱۷۱۹م)، مؤسس و مدیر مدرسه علمیه رحیمیه در دهلی بود. معروف است که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد. در پانزده سالگی به توصیه پدر به طریقت صوفیانه نقشبندیه وارد شد. سپس استاد و مدیر مدرسه پدر گردید.

در سال ۱۱۴۳ به حج رفت و این فریضه دینی را به جای آورد؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین، به ویژه مدینه رحل اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آن جا به تجدید و توسعه آموخته‌های خود، به ویژه در زمینه حدیث پرداخت.

در سال ۱۱۴۵ق / ۱۷۳۲م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تألیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد. یک دهه بعد، اثر گرانسنگ علمی - اجتماعی خود حجة الله البالغة را به عربی نوشت (چاپ قاهره، ۲ جلد، ۱۹۵۲-۱۹۵۳). در این کتاب صلاهی احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه فرهنگ و علوم اسلامی، با تأکید بر قرآن و حدیث، و نیز چاره‌اندیشی‌های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است. نگرش و اندیشه صوفیانه او ته رنگی در آثارش دارد و هدفش به بار آوردن تهذیب نفس و وسعت مشرب است، و در هر حال برجسته و مؤکد نیست.

تجدّد گرایان مسلمان نظیر علامه محمد اقبال لاهوری (م ۱۹۳۸) و فضل الرحمن (م ۱۹۸۸) در او شخصیت وحدت بخش تفرقه‌ها و تحزب‌ها و فرقه‌گرایی‌های فقهی / حقوقی و ایدئولوژیک می‌دیدند که دعوتگر به اجتهادی نوین است و روی آوردن به باطن کتاب و سنت.

او دارای زندگینامه خودنوشت کوتاهی به نام الجزء اللطیف فی ترجمه العبد الضعیف (به فارسی) است و در کتاب انفس العارفين هم اشارات زندگینامه‌ای دارد. نهضت فرهنگی و اجتماعی - سیاسی ای که او، فرزندان (به ویژه عبدالعزیز از میان پنج پسرش) و شاگردانش به بار آوردند، به تعبیر عبیدالله سندی (م ۱۹۴۴) «نهضت ولی الله» نام گرفت. پس از تأسیس پاکستان و استقلال آن، شاه ولی الله به صورت قهرمان ملی و متفکر سیاسی - اجتماعی تلقی شد؛ و به او همان شأنی را دادند که به عارف مسلمان هندی و مصلح دینی - اجتماعی قرن هفدهم میلادی یعنی شیخ احمد سرهندی داده بودند. امروزه، چنان که اشاره شد، نهضت‌های بزرگ دینی اسلامی در گستره جنوب آسیا، به ویژه گروهی به نام دیوبندی Deobandis - که تکثرگرایی و روحیه و پیش زمینه عرفانی دارند - خود را ملهم از آرا و آثار شاه ولی الله و فرزندش شاه عبدالعزیز می‌دانند. جنبش‌هایی که کما بیش صوفی / تصوف ستیزند، نظیر اهل حدیث، حتی پیروان مولانا مودودی، در زندگی و آثار شاه ولی الله، بازگشت به مبانی اصلی شریعت، طرد سیاسی تأثیرات و نفوذ فرهنگی / استعماری بیگانه، و در یک کلام، سرچشمه اعتقادات اصلاح طلبانه خود را می‌یابند. در زمان حیات شاه ولی الله، مخالفت‌های فرقه‌های نژادی غیرمسلمان هندی نظیر «جات» و «مراتبه»، و قهراً پس از وفاتش اشغال و استعمار انگلستان در کار بود. نواده او شاه اسماعیل شهید با وجود تلاش برای برانداختن رسوم خرافه‌آمیز محلی بعضی از توده‌های مسلمانان، و نیز اعتقاد به لزوم جهاد با نیروهای غیرمسلمان و اشغالگر هند، در عین حال - مانند جدش شاه ولی الله - دارای آثار عرفانی بر وفق مکتب ابن عربی است. دسته دیگری از پیروان او که برجسته‌ترین آنها شاگرد و خویشاوند نزدیک او محمد عاشق (م ۱۷۷۳) بود، در عمل، پی‌گیر گرایش‌های عرفانی شاه ولی الله شدند.

شاه ولی الله مردی کوشا و کثیرالتألیف بود. آثار او را تا یکصد کتاب و رساله هم برشمرده‌اند که در حدود سی اثر از آنها به چاپ رسیده (و بقیه یا به صورت نسخه خطی است یا از بین رفته است). آثار او به دو زبان عربی - زبان رسمی و علمی سراسر جهان اسلام از آغاز تا امروز - و فارسی - زبان رسمی و ادبی هشتصد ساله هندوستان از عهد غزنویان تا استعمار بریتانیا - نوشته شده است.

بعضی از آثار فارسی او (که در آن زمان، زبان ادبی و رسمی / اداری هند بود) عبارتند از:

(۱) الطاف القدس فی معرفة لطائف النفس (چاپ هند، ۱۹۶۴م). (۲) الانتباه فی سلاسل اولیاء الله. (۳) اتحاف النبیہ فی ما یتحتاج الیه المحدث و الفقیه (لاهور، ۱۹۶۹م) و مهم تراز نظر بحث و تحقیق، آثار قرآن پژوهی اوست که برجسته ترین آنها عبارتند از: (۴) فتح الرحمن فی ترجمه القرآن که پایان ترجمه و پاکنویس آن به تصریح خود شاه ولی الله در ۱۱۵۱ق / ۱۷۳۸م بوده و در کراچی و بعضی شهرهای هند کراراً چاپ شده و بحث درباره آن موضوع اصلی این مقاله است. (۵) الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که رساله ای کم حجم و پر مغز درباره اصول و مبانی تفسیر قرآن است که هم به مسائل زبانی / ادبی و بلاغی و هم عناصر و ارکان و اصول تفسیرنگاری در پنج مبحث و بخش اصلی پرداخته است (کراچی، ۱۹۶۴م). ترجمه عربی این کتاب در جهان اسلام (عرب زبان) اشتهار و به حق اعتبار دارد و تحت عنوان ترجمه الفوز الکبیر... بارها در کراچی و کشورهای عربی به طبع رسیده است. ترجمه انگلیسی اش به کوشش گ. ه. جالبینی (G. H. Jalbani) با عنوان *The Principle of Qur'an Commentary* انتشار یافته است (اسلام آباد، ۱۹۸۵م). (۶) المقدمة فی قوانین الترجمة رساله ای کوتاه و چاپ نشده در باب اصول و روش های درست ترجمه قرآن است. (۷) نامه های فارسی او در چندین کتابخانه از کتابخانه های هند نگهداری می شود که گزینه هایی از آنها به اردو ترجمه و چاپ شده است.

• ۲. درباره ترجمه

قرآن کریم را شاه ولی الله، در هفت سالگی حفظ کرده بود، و توجه به آن در کانون حیات فرهنگی و علمی او قرار داشت. او در یک سند علمی و ارزشمند، استادان قرائت و قرآن پژوهی خود را به تفصیل و با اسم و رسم با ۲۴ پشت / نسل به حضرت ختمی مرتبت رسانده است. اولین شیخ / استاد بلافصل او که قرآن کریم را از آغاز تا انجام، به روایت حفص از عاصم به نزدش خوانده است، حاجی محمد فاضل سندی، در سال ۱۱۵۳ق بوده است.

او در مقدمه [مربوط به] ترجمه فارسی اش که فتح الرحمن فی ترجمه القرآن نام دارد، به ضرورت و فایده و اصول ترجمه اش تصریح کرده است. از جمله می نویسد: «... در این زمانه که ما در آنیم و در این اقلیم که ما ساکن آنیم، نصیحت [=صلاح و خیرخواهی برای] مسلمانان اقتضا می کند که ترجمه قرآن عظیم، به زبان فارسی سلیس و روزمره متداول بی تکلف فضیلت نمایی و بی تصنع عبارت آرای، به غیر تعرض [=بدون پرداختن به] قصص مناسبه و

به غیر ایراد [= در میان آوردن] توجیهاات منشعبه [ثو در تو / پیچاپیچ] تحریر کرده شود، تا خواص و عوام همه یکسان فهم کنند، و صغار و کبار به یک وضع ادراک نمایند... [سپس می‌گوید به تفحص در ترجمه‌های فارسی پرداختن که غالباً یا طول و تفصیل و اطناب مُمل داشتند یا ایجاز مُخل، لذا چاره در پرداختن به کاری جدید بود...]. بعد سال‌هایی چند عزیزی پیش این فقیر خواندن قرآن با ترجمه [فارسی] آن شروع کرد. این صورت، سلسله جنبان آن عزم شد...» سپس اصول و نظریه ترجمه و روش کار خود را شرح می‌دهد که مهم‌ترین آنها را به زبان ساده‌تر و فهرست‌وار عرضه می‌داریم:

- ۱) مدلول نظم [صورت و محتوای] عربی قرآن به عبارت فارسی درآورده شد.
- ۲) نحو [و صرف و علوم بلاغت] و تقدم و تأخر کلمات و عبارات [بر وفق دستور زبان فارسی] و ظاهر ساختن محذوفات و ترتیب الفاظ طبق نظم قرآن رعایت شد، مگر در جاهایی که به سبب تفاوت دو زبان، ناپسندی لفظی یا دشواری و پیچیدگی معنایی پیش می‌آمد.
- ۳) آنچه از اشاره به اسباب / شأن نزول ضرورت داشت، به اختصار [و غالباً در حاشیه] نقل شد، در حد کتاب و جیز و تفسیر جلالین که به منزله منبع و مرجع اصلی این ترجمه‌اند.
- ۴) این ترجمه به شیوه کما بیش تحت اللفظ است با نظر به وجوه اعراب و بلاغت و قصص و [علوم قرآنی دیگر]. [نیز به فقره شماره ۱۱ در همین بخش توجه شود].
- ۵) شیوه این ترجمه از این قرار است که هر آیه‌ای جدا همراه با ترجمه آن نوشته شده و سبک سیاق مختار در آن زبان فارسی روزمره متداول است.
- ۶) هر چه افزون‌تر از تحت اللفظ [و به اصطلاح امروزه: افزوده تفسیری است] اگر یک - دو کلمه است با افزوده کلمه «یعنی» یا نظایر آن متمایز شده است. و اگر کلامی است مفصل‌تر و مستقل، در آغاز آن «مترجم گوید» و در پایان آن «والله اعلم» آمده است.
- ۷) و حتی المقدور از قصص مربوط به قرآن اکتفا به یک دو فقره اشاره کوتاه شد؛ و در مورد اسباب / شأن نزول، فقط چکیده‌ای از قصه‌های بلند اشاره‌وار به میان آوردیم.
- ۸) منبع و مرجع احادیث این ترجمه «کتاب التفسیر» [از صحیح بخاری و سنن] ترمذی است، و از اسرائیلیات حتی الامکان پرهیز شد «الآ در جایی که کشف معنی به غیر ایراد آن نمی‌شود، و الضرورات تبیح المحظورات».

۹) از توجیحات گوناگون، قوی‌ترین وجه از نظر عربیت، علم حدیث و فقه، که کمترین دگرگونی را در عدول از ظاهر [و معنای متبادر و متعارف] به کار می‌آورد، انتخاب شد. (۱۰) این ترجمه به نحوی انجام گرفته که عربی دانان و اهل نحو و بلاغت، «اعراب قرآن و تعیین محذوف و مرجع ضمیر و تقدم و تأخر عبارات را [که لازمه ترجمه است] می‌توانند دانست، و کسانی که نحو و عربی نمی‌دانند، از اصل غرض و هدف [که فهم معانی قرآن کریم است] محروم نمی‌مانند.»

۱۱) ترجمه‌ها دو گونه‌اند: یا تحت اللفظی، یا حاصل المعنی، و هر یک از این شیوه‌ها خلل و اختلال بسیار خاص خود را دارد. و این ترجمه جامع و حد وسط آن در شیوه است و برای دفع هر خلل و اختلال، چاره‌ای اندیشیده شده است که شرح آن در رساله قواعد ترجمه گفته خواهد شد.

۱۲) در زبان عربی [و قرآن مجید] «و» [واو] و «ف» [فاء] در اغلب موارد زائد است و در ترجمه فارسی معنای ربطی که از آنها بر می‌آید، بدون کاربرد کلمات یا حروف حاکی از عطف و تعقیب، حاصل می‌شود. و در مواردی که باعث سستی سخن [= رکاکت لفظ] می‌شد، آن را رها کردیم [یعنی معادلی در برابرش نیاوردیم].

• ۳. چاپ‌ها و ویرایش‌ها

این ترجمه از همان اوانی که پایان یافته تا امروز، با استقبال عظیم مسلمانان فارسی زبان هند و سپس پاکستان و فارسی زبانان مسلمان دیگر کشورها - از جمله ایران و افغانستان - مواجه شده و پس از استنساخ‌های متعدد و مکرر به طریقه چاپ سنگی در هند به چاپ و تجدید چاپ‌های بسیار رسیده است. چاپ‌های اخیر آن که به ایران هم آمده است عبارتند از: (۱) چاپ کراچی و لاهور به همت تاج کمپنی لمپیڈ که غالباً همراه با تفسیر کوتاه ملاحسین واعظ کاشفی است و در قطع رحلی بزرگ است و بدون تاریخ چاپ (در ۱۳۹۴ ص). در این طبع، ترجمه شاه ولی الله به صورت زیر نوشته یا بین السطور در میان سطور قرآنی آمده است و در نیمه بالای هر صفحه است. نیمه پایین هر صفحه تفسیر حسینی یا مواب علیّه است، که تصریح شده اثر ملاحسین واعظ کاشفی است. در مقدمه کتاب، هم نام مؤلف آمده است و هم نام تفسیر، و حتی تفسیر دیگر او جوهر التفسیر که فقط تفسیر سوره فاتحه

است و بحمد الله اخیراً به همت مؤسسه نشر میراث مکتوب با تصحیح انتقادی به طبع رسیده است. ولی آنچه هر خواننده و محققى را به تردید می‌اندازد که این تفسیر همان تفسیر مواهب علیه / حسینی، یا به هر حال خلاصه آن یا حتی اثر دیگری از واعظ کاشفی باشد این است که او در حدود ۸۴۰ق به دنیا آمده و در ۹۱۰ در گذشته است. حال آن که در مقدمه این تفسیر می‌گوید که پس از تحریر جلد اول از جوهر التفسیر به علت موانع بسیار موفق به تکمیل آن نشده، و به جای آن که در چهار جلد برنامه‌ریزی شده و مواهب علیه نام گرفته در سال ۱۳۵۷ق (۹) در صدد ترجمه تفسیر آمیز قرآن برمی‌آید و همین ترجمه تفسیری است که در ذیل صفحات ترجمه شاه ولی الله دهلوی آمده است. و تاریخ این ترجمه با تاریخ ولادت و وفات ملاحسین واعظ کاشفی همخوانی ندارد. گفتنی است که در این طبع افزوده‌های تفسیری که خود شاه ولی الله دهلوی به آن تصریح دارد، در متن یا در حاشیه نیامده است. ولی اسامی و گواهی ناظران و مصححان در آخر کتاب آمده است. همچنین قبل از شروع و پس از خاتمه کتاب، اسماء الحسنی در دو صفحه متقابل درج گردیده است.

۲) چاپ پیشاور پاکستان، به همت نورانی کتب‌خانه. ویژگی این چاپ این است که تمام افزوده‌های تفسیری مترجم (شاه ولی الله دهلوی) را که با «یعنی» یا «مترجم گوید» شروع می‌شود در حاشیه‌های این مصحف مترجم آورده است. قطع این چاپ، وزیری و ترجمه بین السطور و به صورت زیر نوشته آیات قرآنی است (در ۷۳۴ص). در آغاز فقط صفحه عنوان آمده است، و در پایان دو فقره دعای ختم قرآن، سپس رموز و اوقاف (وقف‌ها) (در یک صفحه)، سپس فهرست سوره‌ها به ترتیب مصحف شریف با ذکر شماره صفحه و جزء (در دو صفحه). بعد از آن یک صفحه تحت عنوان «تذکار» خطاب به خوانندگان و درخواست تذکر اغلاط مطبعی احتمالی به ناشر و در صفحه آخر «تصدیق صحت متن» (به زبان اردو) با امضای چهار تن آمده است.

۳ و ۴) چاپ عربستان / مدینه که دو طبع است: الف) عیناً از روی چاپ‌های هند و پاکستان حروفچینی شده و افزوده‌های تفسیری را ندارد، و دارای اغلاط چاپی است. چاپ دوم تجدید حروفچینی شده و توسط دو قرآن پژوه به نام‌های دکتر عبدالحق بلوچ و شیخ محمد داری «بازبینی و بررسی مجدد» گردیده و در سال ۱۴۱۷ق از سوی «چاپخانه قرآن کریم مجمع ملک فهد [= مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، برای آشنایی با آن ←

دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی] در ۹۲۸ صفحه در قطع ۲۱×۱۴ سانتیمتر با کاغذ نازک مرغوب و صحافی مطلوب، انتشار یافته است. نام این قرآن مترجم در صفحه عنوان از این قرار است: قرآن کریم و ترجمه معانی آن به زبان فارسی. در آغاز صفحه عنوان چنین آمده: «این قرآن کریم و ترجمه معانی آن هدیه خادم حرمین شریفین ملک فهد بن عبدالعزیز آل سعود است. و در پایین صفحه نام «چاپخانه قرآن کریم مجمع ملک فهد» آمده است. به نام مترجم / شاه ولی الله دهلوی نه در این صفحه، بلکه در مقدمه عربی (که یک صفحه است) و پیش گفتار فارسی (که آن هم یک صفحه است) و به قلم دکتر عبدالله بن عبدالمحسن التركي است، با تعبیر «شیخ شاه ولی الله دهلوی» اشاره شده است. این چاپ دارای دو گونه حواشی توضیحی است: الف) توضیحات کوتاه یا بلند خود مترجم. ب) توضیحات و نکات اصلاحی / ویرایشی مصححان. اصلاحات و ایراستاران، هم رسم الخطی است، هم معنایی. چنان که در موردی (بقره، ۹) «آگاه نمی شوند» را به «نمی فهمند» یا «... چنانکه ایمان آوردند بیخردان؟» (بقره، ۱۳) را به «چنانچه...»، و عبارت: «و اگر خواستی خدا هر آئینه بُردی شنوائی ایشان را» (بقره، ۲۰) به «و اگر خدا می خواست هر آئینه می برد شنوائی ایشان را» ۱۳ و «حوالی او را» (بقره، ۱۷) به «دور و بر او را» تبدیل کرده اند. میانگین حجم این اصلاحات، ۴-۵ کلمه / عبارت / جمله در هر صفحه است.

به نظر ما، اگر چه این اصلاحات خالی از فایده نیست، اما علی القاعده و بر وفق اصول و امانتداری علمی و ضرورت و فایده حفظ ارزش های زبانی / ادبی / تاریخی ترجمه های مشهور و مقبول که بیش از دو قرن و نیم تاریخ دارد، «ویرایش» این و هر ترجمه کهن و کلاسیک روا نیست. به جای این کار می توان اصالت متن اصلی را حفظ کرد و اصلاحات پیشنهادی را در حاشیه آورد، یا بالصراحه و عالمأ و عامداً از ترجمه ای کهن تحریری تازه به دست داد و این تغییر و تحول را بر روی صفحه عنوان و مقدمه هر اثر اعم از ترجمه قرآن یا جز آن، یا حتی آثار تصحیحی - تألیفی یادآور شد. و از نظر عرف علمی جهانی هم بی اشکال است، اما در ترجمه ویرایش شده شاه ولی الله خواننده در مورد هیچ کلمه و عبارت و جمله ای مطمئن نیست که عیناً اثر او و ریخته قلم اوست، یا دخل و تصرف و ایراستاران.

۵) تصحیح دقیق و عالمانه ای از این ترجمه ارجمند، به همت استاد مسعود انصاری، مترجم قرآن کریم و قرآن پژوه کوشا و کاردان معاصر، تدوین شده و قرار است ان شاء الله به

زودی از سوی نشر احسان منتشر گردد.

• ۴. نقد و نظرها

(۱) «نقد و بررسی ترجمه شاه ولی الله دهلوی»، نوشته حجة الاسلام محمدرضا انصاری، چاپ شده در نشریه قرآنی ترجمان وحی، سال دوم، شماره سوم (شهریور، ۱۳۷۷)، ص ۲۸-۱۱.

(۲) «نقد ترجمه‌ای از قرآن»، نوشته علی احمد ناصح، عضو هیئت علمی دانشگاه قم، چاپ شده در فصلنامه قرآنی صحیفه مبین، دوره دوم، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۸)، ص ۸۷-۹۶.

(۳) «معرفی ترجمه‌ای از قرآن (به قلم یک هندی پارسی گوی)»، نوشته دکتر غلامعلی حداد عادل، چاپ شده در کیهان اندیشه، شماره ۴۰، (بهار و اسفند ۱۳۷۰)، ص ۲۶-۳۲.

(۴) «شکوه و زیبایی در ترجمه قرآن دهلوی»، نوشته مسعود انصاری - که در بخش پیشین این مقاله به تصحیح علمی و دقیق و استادانه ایشان از این ترجمه که زیر چاپ است، یاد کردیم -، چاپ شده در نشریه فصلنامه قرآنی بینات، سال سوم، شماره ۱۲ (زمستان ۱۳۷۵)، ص ۱۰۵-۱۱۳.

(۵) «فتح الرحمن (ترجمه محدث دهلوی از قرآن کریم)»، نوشته مسعود انصاری، چاپ شده در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (تهران، نشر دوستان - ناهید، ۱۳۷۷)، جلد دوم، صفحات ۱۵۴۲-۱۵۴۴.

(۶) «ترجمه فارسی (شاه ولی الله دهلوی)»، نوشته بهاء الدین خرمشاهی، چاپ شده در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۵۵۵.

• ۵. نمونه ترجمه

الف - ترجمه آیه الکرسی (سوره بقره، آیات ۲۵۵ تا ۲۵۷)

«خدا هیچ معبودی نیست بجز وی، زنده تدبیر کننده عالم؛ نمی‌گیرد او را پینکی و نه خواب؛ او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است؛ کیست آنکه شفاعت کند نزدیک او الا به حکم او؛ می‌داند آنچه پیش دست ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است. و در نمی‌گیرند [مردمان] از معلومات حق چیزی را مگر به آنچه وی خواسته است؛ فرا گرفته

است پادشاهی او آسمان‌ها و زمین را و گران نمی‌شود بر وی نگهبانی / نگاهبانی این هر دو، و او بلند مرتبه بزرگ قدر است.

نیست جبر کردن برای دین؛ هر آئینه ظاهر شده است راه‌یابی از گمراهی، پس هر که منکر بُت شود و ایمان آرد به خدا، پس هر آئینه چنگ زده است به دستاویزی محکم که نیست گسستن آن را و خداوند شنوا [ی] داناست. خدا کارساز مؤمنان است، بیرون می‌آرد ایشان را از تاریکیها به سوی روشنی؛ و آنانکه کافرند کارسازان ایشان بُتانند، بیرون می‌آرند ایشان را از روشنی به سوی تاریکیها. این جماعه [=جماعت] باشندگان دوزخند، ایشان در آنجا جاویدند.»

ب- ترجمه آیه نور (سوره نور، آیه ۳۵)

«خدا نور آسمانهاست و زمین؛ داستان نور وی در قلب مسلمانان، مانند طاقی که در آن چراغ است [یعنی فتیله روشن است - حاشیه]؛ آن چراغ در شیشه است [یعنی در قندیل است - حاشیه]؛ آن شیشه گویا ستاره درخشنده است؛ افروخته می‌شود از روغن درختی با برکت که عبارت از درخت زیتونی / زیتون است؛ نه به سمت مشرق روئید / رونده، و نه به جانب مغرب روئید / رونده؛ نزدیک است که زیت وی روشنی بدهد اگر چه نرسیده باشدش آتش / آتشی؛ روشنی بر روشنی است؛ راه می‌نماید خدا به نور خود هر کرا خواهد؛ و بیان می‌فرماید خدا داستانها برای مردمان و خدا به / بر هر چیز داناست.» [نقل از ترجمه شاه ولی الله طبع پیشاور و کراچی. آنچه در داخل قلاب آمده، دو موردش از حاشیه و افزوده تفسیری مترجم است و بقیه موارد، اختلاف دو نسخه. و عالمماً و عاملاً از ترجمه ویراسته طبع مدینه (به سال ۱۴۱۷ق) نقل نکردیم. زیرا به دلیل و شرحی که گذشت، تماماً و عیناً نص ترجمه شاه ولی الله را نشان نمی‌داد، و حاوی تغییرات و اصلاحات و امروزی سازی و ویراستاران بود.]

• منابع و مراجع

مقدمه شاه ولی الله بر ترجمه خود / فتح الرحمن؛ مقالاتی که در بخش نقد و نظر یعنی فقرة ۴ این مقال از آنها یاد شده است؛ دایرة المعارف قرآن و قرآن پژوهی (به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، ۱۳۷۷، ۲ جلد)، مدخل‌های «ترجمه فارسی (شاه ولی الله)»، «فتح الرحمن»، «محدث دهلوی»؛ دایرة المعارف فارسی، مدخل «شاه ولی الله دهلوی»؛ ترجمه الفوز الکبیر فی

ترجمه شاه ولی الله دهلوی (۷) □

اصول التفسیر (مقدمه، کراچی، قدیمی کتب‌خانه، بدون تاریخ)؛ الاعلام، زرکلی، مدخل «احمد بن عبدالرحیم»؛ ایرانیکا (دانشنامه ویژه ایران و ایران‌شناسی - به انگلیسی، ذیل مدخل «دهلوی» ج ۷، ص ۲۲۰-۲۲۱)، نویسنده مقاله این دانشنامه و دانشنامه بعدی یعنی «دانشنامه آکسفورد درباره جهان جدید اسلام» (به انگلیسی، زیر نظر جان. ل. اسپوزیتو J. L. Sposito، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۲) محقق به نام مارسیا. ک. هرمانسن Marcia K. Hermansen است. همچنین مقاله‌ای در دانشنامه دین (زیر نظر میرچا الیاده، به انگلیسی، در ۱۶ جلد، ج ۱۵) ذیل مدخل «ولی الله، شاه»، نوشته کارل باربر Karl Barbir.

گفتمنی است که در مقالات / مدخل‌های دانشنامه‌های یاد شده کتابنامه‌های مهم و معتبری - به ویژه شامل زندگینامه‌ها و تک‌نگاشت‌هایی که تماماً درباره شاه ولی الله است - به زبان‌های مختلف، و عمدتاً انگلیسی و عربی درج گردیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی